

**چرا مکانیسم ماشه طراحی شد؟**

مکانیسم ماشه تضمین اجرای درست توافق برجام را سوی اعضای آن است. هنگامی که در تیر ۱۳۹۴ برجام بین ایران و کشورهای ۵+۱ امضا شد هر یک تعهداتی را برعهده گرفتند. از سمت ایران اقدامات هسته‌ای همچون اجرای پروتکل الحاقی و نظارت‌های ویژه، کاهش سطح غنی‌سازی اورانیوم، محدودیت در میزان مواد غنی‌شده، محدودیت در تعداد و نوع سانتریفوزهای مورد استفاده، بازطراحی راکتور آب سنگین اراک و تعطیلی مرکز غنی‌سازی در فردو پذیرفته شد. در ازای آن طرف مقابل هم پذیرفت به غیر از تحریم‌هایی که خارج از محدوده این توافق هستند، بخشی از تحریم‌های ایران را لغو و بخشی دیگر را تعلیق کند. همین‌طور به موجب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت که تأیید کننده برجام است مقرر شد تا کلیه قطعنامه‌های قبلی مرتبط با فعالیت هسته‌ای ایران برای ۱۰ سال موقتاً لغو شوند و اگر طی این مدت همه‌چیز مطابق برجام به‌ خوبی پیش رفت کلیه قطعنامه‌ها به صورت خودکار و دائمی لغو شوند. با توجه به تعهداتی که طرفین برعهده گرفته بودند نیاز بود دآوری نیز برای تأیید اجرای کامل این تعهدات تعیین شود. در مورد مباحث فنی وظیفه دآوری به ژانسی بین‌المللی انرژی اتمی واگذار شد اما در مورد رفع تحریم‌ها چه کسی می‌توانست چنین دآوری نهائی را انجام دهد؟ حتی طرف‌های مقابل ایران نیز آژانس و گزارش‌های فنی آن را کافی نمی‌دانستند. در نتیجه، سازوکاری برای رسیدگی به اختلافات احتمالی در جهت تعهدات در متن برجام گنجانده شد که به مکانیسم ماشه معروف است.

## در این ایام که مذاکرات بین ایران و آمریکا در جریان است احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه سبب نگرانی یا نگرانی آفرینی بسیاری در سطح مردم و مسئولین شده است. برخی از خود حامیان برجام در خط مقدم ترساندن جامعه از اجرای مکانیسم ماشه قرار دارند در حالی که باید جواب دهند اگر مکانیسم ماشه چنین ابزار خطرناکی است پس چرا از ابتدا پذیرفته شده و چرا از برجام که چنین ابزار خطرناکی را در اختیار طرف مقابل می‌گذاشت حمایت کردند.

**مکانیسم ماشه دقیقاً چیست؟**

بندهای ۲۴ و ۳۷ برجام که ذیل عنوان سازوکار حل‌وفصل اختلافات قرار گرفته‌اند به این موضوع اختصاص یافته و به عنوان مکانیسم ماشه شناخته می‌شوند. سازوکار یاد شده به این شکل است که اگر هر یک از اعضای برجام اعتراضی مبنی بر عدم اجرای بخشی از تعهدات توسط هر کدام از سایر اعضا داشت می‌تواند شکایتی را مطرح کند. این شکایت در مرحله اول توسط کمیسیون مشترک بررسی می‌شود. اعضای کمیسیون مذاکره‌کنندگان ارشد دولت‌های عضو یا معاونان وزرای خارجه هستند. اعضا ظرف مدت ۱۵ روز باید شکایت را بررسی و اختلاف را حل‌وفصل کنند در غیر این صورت یا باید زمان بررسی را تمدید کنند یا آن را به هیئت وزرای خارجه ارجاع دهند.

در مرحله دوم وزاری خارجه نیز ۱۵ روز مهلت دارند که این‌اعتراضی را بررسی کنند.البته این امکان وجود دارد که در صورت درخواست عضو شاکي و یا عضوی که از آن شکایت شده، یک هیئت مشورتی متشکل از نمایندگان آن دو و نیز یک طرف سوم مستقل تشکیل شود تا همزمان با وزاری خارجه و یا حتی به جای آن اختلاف را بررسی کند. رأی این هیئت غیرالزام‌آور است و نظر نهائی همچنان با وزاری امور خارجه خواهد بود که در صورت عدم حل‌وفصل اختلاف یا باید مهلت بررسی را تمدید کنند و یا آن را مجدداً به کمیسیون مشترک ارجاع دهند. در مرحله سوم کمیسیون برای ۵ روز دیگر اختلاف را بررسی می‌کند و اگر طرف شاکي همچنان اصرار داشت که عدم اجرای تعهدات عضو دیگر مصداق عدم پایبندی اساسی به برجام بوده است شکایت به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داده می‌شود.

در شورای امنیت نیز طبق سازوکاری که برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ مشخص کرده‌اند طرف حداکثر ۳۰ روز باید رأی‌گیری مبنی بر موافقت با ادامه اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ انجام بشود. در این رأی‌گیری نیز طبق روال خود شورا ضمن اینکه قطعنامه باید رأی اکثریت را داشته باشد هیچ‌کدام از اعضای دائم نباید به آن رأی منفی دهند در غیر این صورت ادامه لغو اجرای قطعنامه‌های قبلی منتفی شده و همه آن‌ها منجمد به اجرا در می‌آیند.

همان‌طور که گفته شد محدودیتی ۱۰ ساله در مورد بازگشت قطعنامه‌ها وجود دارد. اگر تا تاریخ ۲۴

**اشاره:**

یکی از موضوعاتی که پس از امضای توافقنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به محور اصلی انتقادات تبدیل شد، سازوکار پیشبینی‌شده در آن برای حل‌وفصل اختلافات است که با عنوان «مکانیسم ماشه» شناسخته می‌شود. هدف از طراحی این مکانیسم، ایجاد عاملی بازدارنده برای طرفین توافق بود تا آگاه باشند در صورت عدم پایبندی به تعهدات، در صورتی که یکی از اعضا اعتراضی را مطرح و بر آن پافشاری کند، طی فرآیندی مشخص،

# «اسنپ‌بک» آخرین ماشه برجام برای جنگ روانی علیه ایران

**غیاث‌الدین رحیمی**

**پژوهشگر اقتصاد سیاسی و امنیت بین‌الملل**

مهر ۱۴۰۴ برابر با ۱۸ آذر ۲۰۲۵ بر شورای امنیت تصمیم متفاوتی گرفته نشود کلیه قطعنامه‌های قبلی برای همیشه لغو خواهند شد و پرونده ایران در شورای امنیت به وضعیت عادی در خواهد آمد.

**خوب یا بد؟**

اگرچه برای مخاطب ایرانی عجیب است اما سازوکارهایی همچون مکانیسم ماشه در ذات خود خشن هستند و وجود آن به سود یا ضرر هیچ عضو نیست. توضیح این مطلب نیاز به مقداری بحث تئوریک دارد. این نوع تضمین‌ها براساس منطق قدرت و حفظ استقلال عمل دولت‌ها در

مسائل امنیتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. معنای این سخن آن است که در یک توافق امنیتی هیچ عضوی حاضر به خطر کردن در امنیت خود نیست و همواره تلاش دارد تا استقلال عمل خود را حفظ کند بنابراین دست و پای خود را به موانع حقوقی نمی‌بندد تا هرگاه که لازم دید براساس صلاح‌دید خود تصمیم بگیرد.

باید در نظر داشت که اساساً توافقات امنیتی بر اساس تعهدات حقوقی پایدارسازی نمی‌شوند بلکه بنیان اصلی یک توافق امنیتی توازن قوایی است. در همان ابتدا موجب امضای آن توافق شده است. هرگاه توازن قوای یاد شده از بین برود عضوی که دست‌ترتر را پیدا کرده با انواع توجهیات از آن توافق خارج شده و تعهدات خود را رها خواهد کرد. همین‌طور هنگامی که یک عضو توافقی را نقض کند هیچ دآوری وجود ندارد تا عدالت را اجرا کند و تنها قدرت می‌تواند قدرت را کنترل کند.

**عاملی به منظور فشار بر ایران**

**و نه طرف مقابل**

با این توضیحات آیا مکانیسم ماشه در برجام نیز خشنی بود؟ چرا به نظر می‌رسد تنها عاملی به منظور فشار بر ایران است و نه طرف مقابل؟ مشکل در عدم درک درست مذاکره‌کنندگان ایران از مفهوم مکانیسم ماشه است. متأسفانه مذاکره‌کنندگان ایرانی با دیدگاهی حقوقی و براساس حسن نیت با موضوعی سیاسی و امنیتی برخورد کردند. این نوع نگاه بود که سبب شد الزامات مکانیسم ماشه رعایت نشود.

در واقع مشکل مکانیسم ماشه آن است که طبق برجام ایران باید سریعاً به همه تعهدات خود عمل می‌کرد اما برای بازگشت به شرایط پیش از برجام نیاز به مدت زمان طولانی داشت درحالی که طرف مقابل به راحتی و با یک چرخش خودکار می‌توانست تحریم‌ها را بازگرداند بدون اینکه تا مدت زیادی نگران پیشرفت در برنامه هسته‌ای ایران باشد. بدین ترتیب برجام ابزارهای قدرت ایران را از آن سلب می‌کرد. همچنین مشکل دیگر آن بود که سفت و سخت در آن اجرا شوند؟ سؤال دیگری نیز باید پرسیده شود و آن اینکه آیا این قطعنامه‌ها اثر خیلی زیادی بر اقتصاد ایران داشته‌اند؟ در هر دو مورد پاسخ منفی است.

در مورد جایگاه قطعنامه‌های شورای امنیت

ایران طبق برجام حاصل شده بود، به همین «عدم اراده» بنابر می‌گشت.

**سیاسی**

Siyasi@kayhan.ir

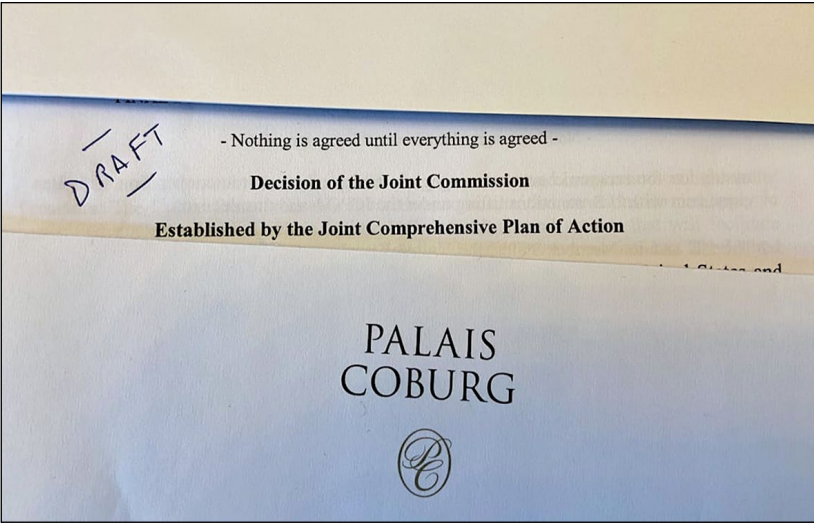
امکان لغو کامل توافق و بازگشت به شرایط پیش از آن وجود دارد. این رویداد به معنای فعال شدن مجدد قطعنامه‌های شورای امنیت خواهد بود. با این حال، اکنون تنها چند ماه تا سررسید روز نهائی توافق برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ باقی مانده است و همین امر موجب شده طرف مقابل، تهدید به اجرای قریب‌الوقوع مکانیسم ماشه کند تا این قطعنامه‌ها را مجدداً فعال سازد. در این نوشتار، درک صحیح از مکانیسم ماشه، اهمیت قطعنامه‌های شورای امنیت و تأثیر آن بر مذاکرات جاری با آمریکا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

# «اسنپ‌بک» آخرین ماشه برجام برای جنگ روانی علیه ایران

در این شرایط بود که پذیرش برجام تبدیل به یک تهدید شد زیرا طرف مقابل و به طور ویژه آمریکا احساس نیاز کمی به برجام می‌کرد اما ایران برای رفع تحریم‌ها به آن نیاز داشت. همین عدم تضاد سبب شد که آمریکا تقاضای توافق مجددی با امتیازات فراوان هسته‌ای و غیرهسته‌ای را مطرح و حتی تحریم‌ها علیه ایران را شدیدتر کند. معنای این سخن آن است که اجرای تعهدات ایران طبق تعهدی در برجام با این بکردن ابزارهای چانه‌زنی تبدیل به یک تهدید بزرگی علیه ایران شد به طوری که آمریکا حتی نیازی به استفاده از مکانیسم ماشه ننید.

طرف ایرانی همچنان با امید به ادامه برجام همراه با اروپایی‌ها قصد نداشت از تعهدات خود کوتاه بیاید اما مکانیسم ماشه با ابطال برجام ممکن بود انگیزه توسعه فعالیت‌های هسته‌ای را در ایرانی که دیگر چیزی برای از دست دادن نداشت ایجاد کند. بدین ترتیب عدم فشردن ماشه سبب شد تا در آن مقطع زمانی ایران اراده تلافی را نیز از دست بدهد. این نگرانی ایرانیان از اعتراض به کمیسیون مشترک که در نهایت موجب ارجاع شکایت به شورای امنیت می‌شد خود اشتباهی مضاعف بر درک حقوقی از مسئله هسته‌ای ایران و عدم رعایت اصل توازن قوا بود.

با توضیحات یاد شده این سؤال پیش می‌آید که چرا وقتی در صورت شکایت ایران قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران مجدداً برقرار می‌شد باز



## مکانیسم ماشه و قطعنامه‌های شورای امنیت در مقابل تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا اهمیت کمتری دارند. در عین حال بسیاری از توانمندی‌های ایران اهمیت راهبردی دارند و نباید در مقابل امتیاز کوچکی هم‌چون فعال نشدن مکانیسم ماشه آن‌ها را معامله کرد. نظارت بر برنامه هسته‌ای ایران یک امتیاز راهبردی است که ایران می‌تواند در اختیار طرف مقابل قرار دهد اما قطعنامه‌های شورای امنیت با توجه به عدم تأثیر عملیاتی بر روی بخش‌های اقتصادی، نظامی و هسته‌ای ایران اهمیتی هم تراز ندارند.

**ایراد اصلی مکانیزم ماشه**

گفته شد نتیجه نهائی مکانیسم ماشه مجوز بازگشت کامل همه طرف‌ها به شرایط پیش از برجام است. جایگاه تحریم‌های شورای امنیت نیز مشخص شد و نشان داده شد تأثیر آن‌ها بر اقتصاد ایران به چه میزان است. حالا باید به این نکته توجه کرد که انتقاد مخالفان برجام در مورد مکانیسم ماشه تا چه اندازه درست است. مهم‌ترین انتقادی که به تیم مذاکره‌کننده دوره برجام وارد است عدم توجه به مقتضیات یک قرارداد امنیتی یعنی توازن قوا و

حفظ ابزارهای فشار برای برقرار ماندن توافق است. تیم مذاکره‌کننده با امید بستن به نهادهایی همچون ژانسی بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان نهادی فنی و بی‌طرف و تصور شورای امنیت سازمان ملل به عنوان نهادی حقوقی که تصمیمات آن همانند قطعنامه ۲۲۳۱ برای همگان تحکیم‌آمیز است انگیزه خلف وعده‌های بعدی را در اختیار طرف مقابل قرار داد. آمریکا در سال ۱۳۹۷ و با محاسبه بازگشت‌ناپذیری برخی تعهدات انجام شده توسط ایران همچون تغییر ماهیت آب سنگین اراک و طولانی بودن بازگشت برخی دیگر و در عین حال طرفی از شورای امنیت دولت‌ها نیز می‌توانند به صورت یک‌جانبه تحریم‌هایی را به پهنانه‌های مختلف اعمال کنند یعنی همان کاری که دولت آمریکا انجام داده است و طبق راهبرد فشار حداکتری تمام توان خود را برای تحریم ایران از جمله صادرات اصلی آن یعنی

**صفحه ۸**

**چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴**

**۲۳ ذی‌القعدة ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۸۶۳**



از سوی دیگر مخالفان برجام هم که سال‌ها مکانیسم ماشه را از زاویه نگاه نادرستی نقد کرده‌اند در شرایط حاضر این فرصت را در اختیار موافقان «توافق به هر قیمتی» قرار داده‌اند تا با فضاسازی و ایجاد ترس از مکانیسم ماشه فشار سهمگینی را برای دستیابی به یک توافق فراهم کنند.

**مکانیسم ماشه و قطعنامه‌های شورای امنیت در مقابل تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا اهمیت کمتری دارند**

از مجموع این مباحث می‌توان دریافت که مکانیسم ماشه و قطعنامه‌های شورای امنیت در مقابل تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا اهمیت کمتری دارند. در عین حال بسیاری از توانمندی‌ها و ابزارهای ایران همچون راهبردی دارند و نباید در مقابل امتیاز را معامله کرد. مثلاً نظارت بر برنامه ی هسته‌ای ایران یک امتیاز راهبردی است که ایران می‌تواند در اختیار طرف مقابل قرار دهد اما قطعنامه‌های شورای امنیت با توجه به عدم تأثیر عملیاتی بر روی بخش‌های اقتصادی، نظامی و هسته‌ای ایران اهمیتی هم تراز ندارند.

در همین مورد می‌توان به یک تجربه نیز اشاره داشت. در گذشت به از ژانویه سال ۲۰۲۰ اروپایی‌ها مکانیسم ماشه را فعال کردند. این شکایت کمیسیون مشترک مطرح شد اما ادامه پیدا نکرد، آن‌ها علت شکایت خود را نقض محدودیت‌های هسته‌ای که در برجام علیه ایران تحمیل شده بود عنوان کرده بودند. اروپا این شکایت را پیگیری نکرد تا آن را به اهرم فشاری به ایران برای بازگشت کامل به تعهدات خود تبدیل کند. چرا این اعتراض ادامه پیدا نکرد؟ چون اروپایی‌ها می‌دانستند اگر این شکایت را از انتها نیز پیگیری کنند تنها دستاورد آن بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران است که در مقابل تحریم‌هایی که در همان مقطع توسط دولت اول ترامپ بر ایران وضع شده بود عملاً تأثیرگذاری خاصی نداشتند اما در عوض با پایان برجام ایران برای پیشبرد هرگونه توسعه‌ای در برنامه هسته‌ای خود آزاد می‌شد و تمام نظارت‌های ویژه‌ای را که فراتر از تعهدات مرسوم کشورها براساس برجام پذیرفته بود لغو می‌کرد. همین مثال نشان می‌دهد اروپایی‌ها نیز فهمیده بودند قطعنامه‌های شورای امنیت در برابر امتیازاتی همچون نظارت کامل بر برنامه‌ی هسته‌ای ایران اهمیت راهبردی ندارد. در انتها باید گفت در مذاکرات حاضر نیز باید به جایگاه و ارزش مکانیسم ماشه و قطعنامه‌های شورای امنیت در مقایسه با امتیازاتی که برای فعال نشدن آن داده می‌شود توجه شود. نباید به جای توجه به اصول موازنه قوا و حفظ ابزارهای فشار امیدوار به جایگاه حقوقی و فنی تصمیمات نهادهای بین‌المللی و حسن نیت دولت‌هایی بود که دارای خصومتی آشکار و درازمدت با ایران هستند. در برجام نه مذاکره‌کنندگان و نه بسیاری از مخالفان درک درستی از مکانیسم ماشه نداشتند و به صورت دوجانبه دچار اشتباه شدند و حال که مذاکرات جدیدی با آمریکا در جریان است نباید دوباره آن اشتباه و همان نگاه به سازوکار مذاکره امنیتی تکرار شود. این توصیه نه فقط برای مکانیسم ماشه بلکه برای کل موضوعات مورد مذاکره باید رعایت شود به طوری که روح این توافق برعکس برجام به جای حسن‌نیت، موازنه قوا و حفظ فشار باشد. امید آنکه آئیم تحریرانی در مذاکرات جاری با راهبردی مبتنی بر منطق قدرت و اصول واقع‌گرایی به‌ترین نتیجه ممکن را در راستای حفاظت از حقوق ملت ایران و منافع بلندمدت کشور به دست آورد.

در چارچوب نظریه بازی‌ها، این وضعیت را می‌توان به رابطه یک خریدار و فروشنده تشبیه کرد. ایران، به عنوان خریدار، نباید تمام دارایی‌های خود را آشکار کند یا خود را مشتاق نشان دهد. در مقابل، آمریکا، به‌عنوان فروشنده، با استفاده از اهرم‌های روانی، مانند تهدید، لبخند دیپلماتیک، یا ارجاع به ساختار قدرت پیچیده در واشنگتن، تلاش می‌کند قیمت را بالا ببرد و تعهدات کمتری ببیند. شناخت این الگو، برای جلوگیری از تکرار اشتباهات گذشته، ضروری است.

همچنین باید به این نکته توجه داشت که در برخی موارد، آمریکا حتی حاضر است با القای ترس از شکست مذاکره، ایران را به پذیرش توافقی نابرابر سوق دهد. در چنین شرایطی، اگر طرف ایرانی بازی را عوض کند- یعنی به جای ورود مستقیم و سریع به میز مذاکره، ابتدا قدرت چانه‌زنی خود را تقویت کند، ابزارهای بازدارنده را فعال نگه دارد و در ارسال نشانه‌های ضعف بپرهیزد- احتمال دستیابی به توافقی عادلانه‌تر افزایش خواهد یافت.

توافق نمودن این توافقی که در فضای رسانه‌ای، به عنوان دستاوردی دیپلماتیک معرفی شود، نه خودی خود نه مطلوب است و نه مذموم؛ بلکه کیفیت، شرایط و زمینه‌های آن است که اهمیت دارد. ایران باید راهبردد خود را بر پایه کاهش وابستگی به نتایج مذاکرات، تقویت مؤلفه‌های قدرت ملی، و حفظ عزت و منافع ملی بنا کند. در چنین صورتی، حتی اگر مذاکراتی نیز صورت گیرد، نتایج آن، نه از موضع ضعف، بلکه بر پایه توازن و احترام متقابل خواهد بود.

توافق نمودن این توافقی که در فضای رسانه‌ای، به عنوان دستاوردی دیپلماتیک معرفی شود، نه خودی خود نه مطلوب برای ایران، نه حذف کامل مذاکره، بلکه ایجاد ساختاری متوازن، با تأکید بر قدرت ملی، استقلال اقتصادی، و عدم ارسال سیگنال‌های ضعف است. باید پذیرفت که در میدان دیپلماسی، همان‌قدر که توان مذاکره اهمیت دارد، توان «نه گفتن» نیز تعیین‌کننده است. ایران باید نشان دهد که صرف‌نظر از نتیجه مذاکرات، مسیر خود را با اتکا به توان داخلی ادامه خواهد داد.

خصمانه در سخنرانی‌های ترامپ و مقامات امنیتی آمریکایی در مقاطع مختلف مذاکرات، نشان می‌دهد که تغییر لحن یا ظاهر گفت‌وگو، لزوماً به معنای تغییر رویکرد نیست. از این‌منظر، هرگونه اشتیاق بیش از حد از سوی ایران برای مذاکره، نه‌تنها موقعیت چانه‌زنی را تضعیف می‌کند، بلکه باعث افزایش سطح توقعات طرف مقابل خواهد شد. طرف آمریکایی، به‌ویژه در شرایط کنونی که با بحران‌های داخلی و فشار متحدان اروپایی برای احیای توافق توافق مواجه است، نیازمند یک